



# نگاهی به

## تاریخ

## مطبوعات

### مصر

# از آغاز تا کنون

### سعید خاکرود

همزمان با یورش ناپلئون به مصر - در سال ۱۷۹۸ تا ۱۸۱۰ - این کشور برای نخستین بار بادستگاه چاپ و چاپخانه آشنا شد.

باورود چاپخانه به مصر، روزنامه در این کشور - تا آن زمان، شرق هیچ گونه آشنایی با آن نداشت - منتشر شد. هرچند که نخستین روزنامه‌های منتشر شده در مصر، به زبان عربی نبود و هیچ ارتباط فرهنگی، ادبی و ... جز محل صدور آن - با مصر نداشت؛ اما همین کار زمینه‌ساز انتشار روزنامه‌های دیگری به زبان عربی، در این کشور شد.

فرانسویان با حمله به مصر، همراه لشکر خود سپاهی از کادربهای مطبوعاتی، فرهنگی و دستگاه‌های چاپی مدرن، به مصر آوردند. این حرکت را نمی‌توان، از فرهنگدوستی، ترویج علم و دانش و آگاهی بخشی مردم توسط ناپلئون دانست زیرا هدف او از چاپ و نشر کتاب، مجلات و روزنامه‌ها - توسط روشنفکران طرفدار سیاستهای فرانسه - سرپوش نهادن برزشتی و گستاخی هجوم نظامی خود، به منطقه‌ای عربی بود. به عبارتی دیگر قصد او از کارهای فرهنگی، علمی و هنری، بهره‌برداری از آنها به عنوان اهرمی در برابر اندیشه‌های ازادخواهانه، مقاومت و قیام مردم برای توجیه یورش نظامی و قتل عام و غارت اموال مردم به وسیله لشکریان خود بود. بنابراین پس از گذشت اندک زمانی از تسخیر مراکز مهم نظامی و تثبیت حاکمیت خود بر مصر به فعالیت فرهنگی روی آورد و روزنامه‌های «کوریبه دی لیجیبت» و «لایکاد ایجیسیان» را به زبان فرانسوی منتشر کرد. این دوروزنامه، نخستین روزنامه‌هایی بودند که در مصر منتشر شدند. روزنامه «کوریبه دی لیجیبت» - که در قاهره منتشر می‌شد - به نشر اخبار خارجی فرهنگی، هنری، و اخبار و گزارش‌های پایتخت و استانهای همجوار می‌پرداخت و هدف از انتشار آن آگاه کردن فرانسویان از حوادث و رخدادهای کشورشان بود - بویژه، پس از اینکه ارتباط نیروهای فرانسوی با فرانسه بکلی قطع شده بود.

اما روزنامه «لایکاد ایجیسیان» نشریه‌ای علمی بود و درباره مسائل مربوط به مصر و جنبه‌های اجتماعی، ادبی، فرهنگی و علمی جامعه مصر می‌نوشت. از سوی دیگر وجود و انتشار روزنامه‌های به زبان عربی نیز احساس می‌شد، از این رو با همکاری گروهی از خاورشناسان فرانسوی و برخی از روشنفکران مصری (در نوامبر ۱۸۰۰ م.) روزنامه‌ای به نام «التنبیه» - برای تحت پوشش قراردادن تبلیغات و مراکز فرهنگی مصر - منتشر شد که نخستین روزنامه عربی مصر به شمار می‌آید. با خروج فرانسویان از مصر عمر روزنامه‌های فرانسوی نیز به پایان رسید.

پس از به قدرت رسیدن محمدعلی پاشا دوران جدید اداری و اقتصادی در مصر آغاز شد. محمدعلی پاشا ضروری دید که حوادث و رویدادهای ایالات مختلف را همه‌ماهه پیگیری کند. بنابراین - سن مأموران اقدام به تهیه گزارشی کردند و نام «ژورنال» بر آن نهادند. این گزارشنامه (ژورنال) هفتگی تهیه می‌شد و هنوز مدتی از انتشار آن نگذشته بود که دستور داده شد - در صورت ضرورت - روزانه تهیه و توزیع شود. «ژورنالها» به دوزبان عربی و ترکی، تهیه و تنظیم می‌شد که کم کم از حالت گزارش به والی، به انعکاس گزیده‌ای از فعالیت‌های دولتی و کارهای

یا منتشر نمی‌شد یا اگر منتشر می‌شد در سطح بسیار محدود توزیع می‌شد و تنها به دست افسران عالی‌رتبه می‌رسید.

### دوران حاکمیت سعید پاشا:

موضع وی نسبت به مطبوعات، موضعی بی‌ثبات بود. پس از اینکه دستور داد به مطبوعات و روزنامه‌نگاران توجه بیشتری شود با اقداماتی موقیمت مطبوعات را متزلزل کرد. برای نمونه، روزنامه «الوقایع المصریه» را پس از یک سال تعطیلی، به دوست خود عبدالرحمان رشیدی هدیه کرد!

در دوره سعید پاشا، «السلطنه» - اولین نشریه نیمه مردمی در مصر - توسط اسکندر شلهوب در سال ۱۸۵۷ به دستور سلطان و به منظور اثبات حقوق سلطان عثمانی در مصر، نزدیکی با مردم و روینزویی بانفوذ سعید پاشا منتشر شد.

دوران اسماعیل پاشا (۱۸۶۳ تا ۱۸۷۹)، دوران تجدید حیات:

اسماعیل پاشا، چاپخانه «بولاق» را از عبدالرحمان رشیدی خرید و در این دوره روزنامه «الوقایع» و مطبوعات مصر، دوران شکوفایی و تجدید حیات خود را آغاز کردند.

اسماعیل پاشا به شدت تحت تأثیر حرکت «رنسانس» اروپا قرار گرفت. گروه‌های علمی که در دوران محمدعلی پاشا به اروپا اعزام شده بودند، اکنون به مجموعه‌ای از روشنفکرانی تبدیل شده بودند که در مسائل فرهنگی مصر نقش عمده‌ای ایفا می‌کردند. از اقدامات مهم اسماعیل پاشا در مسائل سیاسی، تشکیل مجلس شورای نمایندگان در سال ۱۸۶۶ بود که تأثیر بسزایی در حرکت فرهنگی و مطبوعاتی مصر گذاشت.

### پیدایش روزنامه‌های مردمی:

عبدالله ابوالسعود در سال ۱۸۶۷ به اشاره اسماعیل پاشا روزنامه «وادی النيل» را منتشر کرد و با انتشار آن، مطبوعات مصر از حالت رسمی رها شدند و رنگ مردمی به خود گرفتند و توانستند در محدوده‌ای تنگ از آزادی فعالیت کنند. «وادی النيل» مدافع اسماعیل پاشا علیه روزنامه «الجوانب» - که در قسطنطنیه منتشر می‌شد - به شمار می‌آمد.

در سال ۱۸۶۹ ابراهیم المولیجی و عثمان جلال مجله «نزهة الافکار» را منتشر کردند. اما پس از انتشار دومین شماره آن، اسماعیل پاشا به دلیل ترس از تحریک افکار عمومی توسط این مجله، آن را تعطیل کرد.

در سال ۱۸۷۵ به محمدانس بن ابی مسعود اجازه داده شد که روزنامه «روضه الاخبار» را منتشر کند. برخی از عواملی که در این دوره در تجدید حیات مطبوعاتی مصر سهیم بودند عبارتند از:

۱ - مهاجرت برخی نویسندگان و روزنامه‌نگاران از شام به مصر - بویژه پس از به قدرت رسیدن سلطان عبدالحمید که دستورهای بی‌شماری برای سرکوب آزادی مطبوعات صادر کرده بود. تا آن جا که دستورهای منجر به فرار بسیاری از روزنامه‌نگاران به اروپا و آمریکا شد. اسماعیل پاشا روزنامه‌نگاران را که به مصر آمده بودند تشویق کرد که در تجدید حیات مطبوعات مصر سهیم شوند.

کارمندان تغییر محتوا داد. بنابراین در این روزنامه «ژورنال» را می‌توان قدیمی‌ترین روزنامه مصر به شمار آورد.

محمد علی پاشا پس از مدتی ضروری دید که مردم را از اقدامات دولتی آگاه سازد. به همین منظور نشریه‌ای به نام «قلم الوقایع» را که در آن اخبار شوراهای عالی و امور حکومتی و برخی مسائل مربوط به سنتها، شرع، آداب و رسوم، اخبار و گزارش‌های سیاست خارجی و مسائل اجتماعی کشورهای دیگر چاپ می‌شد؛ منتشر کرد. کادربهای دولتی و اندیشمندان مصری و پیشاپیش آنها قاعه الطهاوی در این نشریه فعالیت می‌کردند. نخستین شماره «قلم الوقایع» در دسامبر ۱۸۲۸ به دو زبان عربی و ترکی منتشر شد. نخستین روزنامه‌های عصر، مربوط به دولت و حاکمیت بود و مردم و بخش غیر دولتی در آن نقشی نداشتند. «روزنامه نظامی» نیز همزمان با یورش نیروهای عثمانی به شام (در سال ۱۸۳۳) هر دو هفته یک بار منتشر می‌شد که مسائل نظامی، خبرها و گزارش‌های جنگی را منعکس می‌کرد. با به قدرت رسیدن ابراهیم پاشا هم، روزنامه‌ای که به اخبار و گزارش‌های «تجارت و کشاورزی» می‌پرداخت، با همین نام منتشر شد.

### دوران رکود مطبوعات مصر:

دوره عباس اول: با به قدرت رسیدن عباس اول، دگرگونی‌های بنیادینی در جامعه مصر روی داد که در موضع‌گیری‌های سیاسی والی تأثیر گذاشت. او بر خلاف سلف خود، با هرگونه نوآوری و تجدید مخالفت می‌کرد، از این رو کارشناسان خارجی و مصری را از کار بر کنار و مدارس و کارخانه‌ها و کارگاهها را تعطیل کرد. این اوضاع به دگرگونی اوضاع فرهنگی انجامید و پیامدهای منفی آن، بر مطبوعات اثر گذاشت. روزنامه «تجارت و کشاورزی» دیگر منتشر نشد. روزنامه «الوقایع» هم در پاره‌ی زیادی از دوران حاکمیت،

بدین گونه مطبوعات مردمی به وجود آمد که اندیشه‌ها و قلمهای مصری آنها را تهیه و منتشر می‌کردند و قلمها و اندیشه‌های شامی نیز، مطبوعات مردمی دیگری بنیان گذاشتند (مانند روزنامه «الاهرام» که در سال ۱۸۷۶ انتشار یافت).

۲- جنگ میان روس و عثمانی در سال ۱۸۷۷ زمینه را برای پیگیری اخبار و رویدادها و مسائل جنگ توسط مردم فراهم کرد. میان مطبوعات داخل و خارج مصر رقابت مطبوعاتی روی داد، و این نخستین رویداد در تاریخ مطبوعات مردمی مصر بود.

۳- زمامداران مصر نتوانستند در برابر این تجدید حیات ایستادگی کنند، بنابراین در پی گسترش و توسعه آن به گونه‌ای که خود می‌خواستند برآمدند.

۴- سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز با حرکت آگاهی بخش خود، زمینه‌های احیای فرهنگ را در مردم مصر به وجود آورد.

با حضور سید جمال‌الدین اسدآبادی در مصر، حرکت فرهنگی در این سرزمین جان تازه‌ای گرفت، و افرادی چون یعقوب صنوع و ابونظارة زرقاء در سال ۱۸۷۷ نشریه «مصر»، ادیب اسحاق در سال ۱۸۷۹ نشریه «التجارة»، و سلیم عنوری در همان سال - ۱۸۷۹ - «مرأة الشرق» را منتشر کردند و اولین گامها را به سوی مطبوعات حرفه‌ای برداشتند.

در دوران اسماعیل پاشا بر روی هم بیست و سه روزنامه منتشر می‌شد:

روزنامه‌های رسمی؛ مانند «الوقایع المصریه»، «الجریده المسکریه» - روزنامه ستاد جنگ ارتش مصر، مجله «یسوس الطب»، «روضه المدارس» و «النحلة الحرة».

روزنامه‌های مردمی؛ مانند «وادی النيل»، «نزهة الافکار» (۱۸۶۹)، «الکوکب الشرقی» (۱۸۷۳)، «الاهرام» (۱۸۷۶)، «روضه الاخبار» (۱۸۷۵)، «ابونظارة زرقاء» (۱۸۷۷)، «الوقت» (۱۸۷۷)، «شعاع الکوکب» (۱۸۷۶)، «صدی الاهرام»، «مصر» (۱۸۷۷)، «حقیقة الاخبار» (۱۸۷۷)، «الوطن» (۱۸۷۷)، «اليسفور»، «التجارة» (۱۸۷۹)، «الکوکب المصری» (۱۸۷۹)، «مرأة الشرق» (۱۸۷۹)، «الاسکندریه» و «بستان الاخبار» (۱۸۷۸).

از جمله امتیازات این دوره وجود آزادی نسبی برای مطبوعات بود.

بر روی هم، در دوران اسماعیل پاشا (سال ۱۸۷۹) مصر وارد مرحله تازه‌ای از شکوفایی فرهنگی و ادبی شد.

#### دوران توفیق پاشا:

مطبوعات در اوایل به قدرت رسیدن توفیق پاشا به یک آزادی نسبی دست یافتند، اما به دلیل اختلافاتی که پاشا با سلطان عثمانی داشت و به علت دخالت انگلستان و فرانسه در امور مصر، پاشا فشارهایی بر مطبوعات وارد کرد که آزادی آنها را محدود ساخت.

دولت، امتیاز روزنامه «مصرالفتاة» را - که از روزنامه‌های طرفدار سیاست عثمانی بود - لغو، و روزنامه‌های «مصر» و «التجارة» را تعطیل کرد.

برای مدت دو هفته نیز از انتشار روزنامه «المحروسة» جلوگیری به عمل آورد. «وقایع المصریه» را در کنترل محمد عبده قرارداد و او با عنوان سردبیر، ضمن تغییر دادن شیوه نگارش، موضوعات اجتماعی و فرهنگی را بر آن افزود و اقدام به انتشار روزانه آن کرد. همچنین دستورهای مبنی بر عدم ورود و توزیع مطبوعاتی که در خارج از کشور منتشر می‌شد (بویژه مطبوعات تحت نظر یعقوب صنوع و ادیب اسحاق همچون «القاهرة» و «النحلة» - که در پاریس منتشر می‌شد) صادر کرد.

پس از اینکه دولت حاکمیت خود را بر مطبوعات اعمال کرد، مخالفانه‌ای در میان مردم و ارتش بروز کرد، توفیق - قی - پاشا مجبور شد نخست‌وزیر خود ریاض را برکنار کند و به جای او شیریف را برگزیند. اجازه انتشار روزنامه‌های دیگری را نیز صادر کرد.

معضل فرید نشریه «البرهان»، حمزه فتح‌الله نشریه «الاعتدال» و حسین شمس‌ی نشریه‌های «التنکیت و التکیه» و «المفید» را به عنوان ارگان انقلاب عراقی پاشا منتشر کردند، مقالات التمدید در نشریه «الاستاذ» و تماس‌های وی با شخصیتها نیز نقشی مهم در فعال کردن جنبش ملی ایفا کرد.

#### قانون مطبوعات سال ۱۸۸۸:

توفیق پاشا هماهنگ باخواست سلطان عثمانی، فشار بر مطبوعات را افزود و قانونی برای کنترل مطبوعات به تصویب رساند. نشریه «المفید» را که هر پانزده روز یک بار منتشر می‌شد تعطیل کرد و به نشریه «الوطن» نیز اخطار داد.

قانون مطبوعات، بیست و سه بند داشت که مهمترین آن، سپردن مبلغ یکصد پوند برای دستیابی به مجوز انتشار بود و فقط دولت حق داشت برای نشریه‌ای مجوز انتشار صادر کند یا صادر نکند. حق جلوگیری از ورود و توزیع نشریاتی که در خارج از کشور چاپ می‌شدند را نیز داشت.

#### مطبوعات انقلاب:

پارودی در چهارم فوریه ۱۸۸۲ به قدرت رسید و مطبوعات انتظار داشتند که او قانون مطبوعات را لغو کند، اما پارودی فشار بر مطبوعات را بیشتر کرد و نشریاتی چون «الاحوال» و «الاهرام» دیگر منتشر نشدند.

او همچنین، از چاپ نشریاتی مانند «المحروسة» و «مصر» جلوگیری کرد. فشار، بر مطبوعاتی که طرفدار حاکمیت خدیو مصر بودند افزایش یافت (که منجر به عزل حمزه فتح‌الله از سردبیری نشریه «البرهان» شد) و از سوی دیگر نشریات طرفدار انقلاب فعال شدند.



سید جمال‌الدین اسدآبادی

نشریه «الطائف» جایگزین «التنکیت و التکیه» و «المفید» و «السفیره» و «النجاح» حسین شمس‌ی و «الفسطاط» عبدالغنی التمدیدی شد.

التمدید در بروز حوادث انقلاب و گسترش آن، سهیم بود اما در این میان نشریه «الطائف» موفق شد در میان مردم محبوبیتی کسب کند و به عنوان اصلی‌ترین نشریه انقلاب مطرح شود.

خدیو مصر تلاش کرد نشریاتی علیه انقلاب چاپ کند و سلطان عثمانی او را یاری کرد و او نشریه «الجوانب» را منتشر کرد. سپس عراقی پاشا را به عصیانگری متهم کرد و ضرورت سرکوب او را یادآور شد.

#### مطبوعات مصر و اشغالگران انگلیسی سال ۱۸۸۲:

به رغم ناکامی انقلاب عراقی پاشا و ورود انگلیسیها به مصر، انقلاب، آگاهی مردم را نسبت به اوضاع جاری، رشد داده بود. اما با وجود اظهارات دووورین فرستاده انگلستان - مبنی بر دادن آزادی به مطبوعات - اقدامات زیر به مرحله اجرا درآمد:

مطبوعات طرفدار انقلاب مانند «الزمان»، «النفر» «الطائف» و «النجاح» تعطیل شدند.

از فعالیت روزنامه‌نگاران ملی‌گرا در مطبوعات جلوگیری کردند. حسین شمس‌ی دستگیر و به اعدام محکوم شد. التمدید نیز خود را مخفی کرد. سعید زغلول، فعالیت مطبوعاتی را ترک کرد. از انتشار نشریه «الاعتدال» جلوگیری و محمد عبده را نیز تبعید کردند.

افزون بر آن از ورود مطبوعات طرفدار انقلاب عراقی پاشا مانند، «ابونظارة» و «العروة الوثقی» به مصر جلوگیری کردند.

انگلیسیها به خوبی به اهمیت مطبوعات و رسانه‌های گروهی پی برده بودند، بنابراین مناسب دیدند که همگام با جامعه به مصر پیش‌روند و همزمان، مطبوعاتی به طرفداران از سیاست خود به وجود آورند؛ یا اینکه چنین مطبوعاتی را از نظر مادی و معنوی مورد حمایت قرار دهند. از پیامدهای این سیاست، توجه به مجله «هفتگی «تایمز سیاسی» و نشریه «الاعتدال» بود (محمد پیرم) «تایمز سیاسی» تونسی پس از گریختن از تونس و عزیمت به «استانه» و بازگشت به مصر در سال ۱۸۸۴ میلادی «الاعتدال» را منتشر کرد. نشریه «الاعلام» در سال ۱۸۸۹ و نشریه «المقطم» (که نقش نزدیک‌کننده دیدگاهها و ایجاد زمینه مناسب برای گفت‌وگو بین مصرین و خارجیان مقیم این کشور را به عهده داشت) منتشر و مورد حمایت انگلیسیها قرار گرفت.

«المقطم» سومین حلقه انگلیسیها در مصر بود، گردانندگان این نشریه فارسی‌نویس، یعقوب صروف و شاهین مکارپوری بودند.

این سه تن در سال ۱۸۸۵ مجله «المقطم» را - پس از اینکه از بیروت به مصر منتقل شدند - منتشر کردند. سپس شاهین مکارپوری مجله «الطائف الادبیه» را در سال ۱۸۸۶ و در پی آن مجله «المقطم» را - که یک مجله سیاسی بود - در سال ۱۸۸۹ منتشر کرد.

اشغالگران انگلیسی نشریه دیگری به نام «الجریده المصریه» را - که ترجمه کامل «اجپتشیان جازیت» بود و ارگان اشغالگران به شمار می‌آمد - منتشر کردند. نشریه «النیل» هم به تولید انگلیسیها و با نظارت حسین حسینی پاشا - که از «استانه» بازگشته بود - منتشر شد.

پس از شکست پیروان عراقی پاشا برخی از نشریات تغییر موضع دادند و طرفدار انگلیسیها شدند. از آن جمله، دو روزنامه «الوطن» و «الزمان»، نشریه «البرهان» و دو نشریه «مرأة الشرق» و «الاتحاد المصری» (این نشریه در آغاز طرفدار فرانسه بود اما بعد تغییر موضع داد و از انگلستان طرفداری کرد).

با اشغال مصر توسط انگلیسیها، مجلات علمی، قضایی، کشاورزی، ادبی و مذهبی گسترش چشمگیری یافت و در طول سالهای ۱۸۹۲ تا ۱۸۹۳ شمار مجلات منتشر شده در مصر به سیزده مجله علمی و فرهنگی رسید، که عبارتند از: «الاستاذ»، «الثمرة»، «الراوی»، «الرشاد»، «الفتی»، «النسابة»، «المدرسه»، «المنتقد»، «المهذب»، «التمدید»، «المهدی» و «الهلال». چنین می‌توان تفسیر کرد که هدف انگلیسیها از انتشار این همه مجلات علمی و تخصصی سرگرم کردن مردم و دور ساختن آنها از پیگیری مسائل سیاسی بود.

#### اشغالگران و نیروهای ملی

پس از سرکوب انقلاب عراقی پاشا، انگلیس برای گسترش نفوذ خود باید نفوذ فرهنگی خود را نیز گسترش می‌داد. بنابراین نشریه «البرهان» را در کنترل خود درآورد و نشریه «الزمان» را نیز تحت نفوذ خود قرارداد.

به رغم فشارهای فرهنگی انگلستان، نشریه «العروة الوثقی» روحیه ملی‌گرای و وطن‌پرستی را در میان مردم گسترش داد. نشریه «الاعلام» و «الحقیقه» نیز در این راه گام برداشتند.

میان مطبوعات طرفدار اشغالگران و مطبوعات مردمی، در زمینه‌های اندیشه، فرهنگ و سیاست برخورد و رویارویی گسترده‌ای روی داد که تأثیر بسزایی در نفوذ و تعمیق روحیه ملی‌گرایی و مبارزاتی در مردم داشت.

انگلستان در جهت نفوذ و گسترش فرهنگی بیگانه در جامعه اسلامی مصر، برای اسکندر کرئور یهودی اجازه انتشار مجله «الزراعة» (کشاورزی) را صادر کرد. این مجله تبلیغات فراوان و گسترده‌ای برای یهودیان انجام می‌داد و ضرورت برپایی میهن ملی یهودیان را مطرح می‌کرد. اخبار و گزارش‌های فعالیت یهودیان را در فلسطین نیز پیگیری می‌کرد. اگرچه این مجله ظاهراً تخصصی بود و ارتباطی به مسائل سیاسی و فرهنگی نداشت!

از جمله نشریات یهودیان آن دوران در مصر نشریه «نهضة اسرائيل» بود - که دوام چندانی نداشت - مطبوعات مصر پیش از جنگ جهانی اول:

دوران نخستین حزب گرایبی  
با پایان گرفتن قرن نوزدهم نشریات مهمی که در مصر منتشر می‌شد عبارت بودند از: «الاهرام»، «المؤید»، «الوطن»، «المقطم»، «الهلال»، «المقتطف» و

مطبوعات حزبی  
خاستگاه احزاب در مصر، مطبوعات بودند. مطبوعات زمانی طولانی تنها ابزار فعالیت‌های ملی و تنوع دیدگاه‌های سیاسی، مذهبی و فرهنگی به شمار می‌رفتند. در سالهای ۱۸۹۴ تا ۱۹۰۸ تا حدودی از خشونت حاکمیت اشغالگران کاسته شد. بنابراین، احزاب سیاسی از درون مراکز مطبوعاتی سربرآوردند. مهمترین مطبوعات حزبی در آغاز قرن بیستم:

الف: مطبوعات حزب الوطنی (ملی):  
۱- پس از اینکه احزاب ملی در مصر فعالیت خود را آغاز کردند، یکی از پرتیراژترین نشریات آن دوره را به نام «اللواء» (که از سال ۱۹۰۰ میلادی منتشر می‌شد) در کنترل خود داشتند. این روزنامه پیش از تأسیس حزب منتشر می‌شد.

۲- مطبوعات به زبان خارجی: مصطفی کامل چاپ و نشر مطبوعاتی را به زبانهای خارجی و برای مخاطب قرار دادن انگلیسیها و فرانسویها، ضروری دید پس «لینتندارچپشین» را به زبان فرانسوی و «دی اچپشین ستاندر» را به زبان انگلیسی منتشر کرد.

این دو نشریه پل ارتباطی میان نهضت ملی مصر و طرفداران آن در انگلستان و فرانسه به شمار می‌رفتند، اما پس از گذشت دو سال، دیگر منتشر نشدند.

۳- «ضیاء الشرق»: این نشریه در قاهره، همراه «اللواء» منتشر می‌شد اما دیدگاههای «حزب الوطنی» در آن انعکاس چندانی نداشت. «ضیاء الشرق» تأثیری در جامعه مصر نداشت و خیلی زود صحنه مطبوعات را ترک کرد.

۴- «وادی النيل»: این نشریه که در «اسکندریه» منتشر می‌شد، بیانگر اندیشه‌های حزب بود و میانه خوبی با بیگانگان داشت. این نشریه نسبت به خدیو عباس موضعی میانه‌رو داشت و انتشارات مدت‌های مدیدی ادامه یافت.

مطبوعاتی که طرفداران حزب منتشر کردند:  
۵- «الدستور» در سال ۱۹۰۷ پیش از تشکیل «حزب الوطنی» در قاهره منتشر شد. طرفدار مبنای حزب بود و پس از مرگ مصطفی کامل یکی از روزنامه‌های رسمی به شمار می‌رفت.

۶- «مصر الفتاة»: پس از آنکه کارکنان «اللواء» از کار در آن روزنامه برکنار شدند، نشریه «الفتاة» را منتشر کردند و همچنان طرفدار حزب و خدیو عباس دوم باقی ماندند. این نشریه پس از گذشت سه سال از انتشارش از (۱۹۰۸ تا ۱۹۱۱) بسته شد.

۷ و ۸- «القطر المصری» و «النبلاغ المصری» نیز نشریاتی بودند که حزب پذیرش آنها را در صفوف خود رسماً اعلام نکرد.

## ب) مطبوعات حزب اصلاح بر مبنای قانون اساسی:

روزنامه «المؤید»، تنها نشریه حزب به شمار می‌آمد که نقش بسزایی در تاریخ مطبوعات مصر داشت. اولین شماره این نشریه در سال ۱۸۸۹ منتشر شد، و نسبت به اشغالگران موضع مخالف داشت. بسیاری از نویسندگان ملی‌گرا و مبارز از جمله: مصطفی کامل، محمد عبده، قاسم امین و سعد زغلول در این نشریه مقاله می‌نوشتند. این نشریه اخبار و گزارش‌های دولت عثمانی را همراه با تبیین سیاست اسلامی آن منتشر می‌کرد. «المؤید» نشریه حزب اصلاح می‌باشد که بر مبنای قانون اساسی در سال ۱۹۰۷ تأسیس شد. مجله‌ای هفتگی، به همین نام، که خلاصه مهمترین مطالب روزنامه بود، نیز منتشر می‌شد.

ج) حزب الامة:  
تفاوت روزنامه «الجریده» با دیگر نشریات در این بود که گروهی از سهامداران، مالکیت آن را در دست داشتند و این امر تأثیری بر سیاست‌های کلی این روزنامه، نمی‌گذاشت، بنابر این تحولاتی ریشه‌ای در موضعگیری‌های آن نمی‌بینیم. مالکیت گروهی این روزنامه، باعث شد که جمعیت عمومی نشریه هنگام تشکیل «حزب الامة» در سال ۱۹۰۷ به عنوان جمعیت عمومی حزب برگزیده شوند.

جنگ جهانی اول و مطبوعات مصر  
با ورود انگلستان به جنگ (اوت ۱۹۱۴)، در مصر حکومت نظامی اعلام شد و از دوم نوامبر ۱۹۱۴ سانسور بر مطبوعات اعمال گردید و بر اساس قانون مطبوعات در کمتر از یک سال، بیشتر روزنامه‌های ملی بسته شدند از جمله: «مصر الفتاة»، «وادی النيل»، «اللواء» و «العلم». از ویژگیهای دوران اشغال (۱۹۱۴ تا ۱۹۱۹) رکود فراگیر مطبوعات مصری بود.

پس از جنگ جهانی اول حوادثی در مصر روی داد که تأثیر بسزایی در روند مطبوعات این کشور داشت. از جمله: دستگیری سعد زغلول (در ۲۴ دسامبر ۱۹۲۱) توسط انگلیسیها و قیام مردم، تصویب قانون اساسی (در سال ۱۹۲۳) که آزادی سیاسی و فعالیت فرهنگی را تنها به طبقه بورژوازی می‌داد. آزادی مطبوعات نیز به شدت محدود شد.

از عواملی که بر مطبوعات مصر در دوره بین دو جنگ جهانی اثر گذاشت:

۱- پیدایش احزاب سیاسی جدید، که در روند فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی جامعه، بویژه مطبوعات تأثیر فراوانی داشت.

۲- فعالیت جنبش ملی؛ فعالیت جنبش در آن مرحله به خوبی در مطبوعات آن دوره انعکاس داشت.

۳- صدور قوانین و دستورالعمل‌های محدودکننده آزادی مطبوعات.

۴- فشارهای اقتصادی و سیاسی بر مطبوعات.

مطبوعات در دهه چهل

با شروع جنگ جهانی دوم (در سپتامبر ۱۹۳۹) افزون بر اعلام حکومت نظامی، سانسور شدیدی نیز بر مطبوعات حاکم گردید. در این دوره برخی مطبوعات و نشریات از صحنه مطبوعاتی خارج شدند و مجلات ادبی و فرهنگی تازه‌ای به صحنه مطبوعات پا نهادند. مجله «الثقافة» (۱۹۳۹)، «الکاتب المصری» (۱۹۴۴) و پیش از پایان جنگ، نخستین شماره از روزنامه «اخبار الیوم» (نوامبر ۱۹۴۴) از آن جمله هستند. در همین سال حزب «الکتله» منشعب از حزب «وفد»، روزنامه «الکتله» را منتشر کرد.

همچنین در سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۶ مطبوعاتی چپگرا نظیر «الفجر» و «الضمیر» ارگان سازمان کارگران و کشاورزان و روزنامه‌هایی به نام «حدث» ارگان جنبش دمکراتیک برای آزادی ملی - که نخستین شماره آن در آوریل ۱۹۴۶ منتشر شد - به صحنه مطبوعات پانهادند.

با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم (در مه ۱۹۴۵) چندین روزنامه و مجله هفتگی جدید چون «الزمان» و

«بنت النيل» مجله زنان و روزنامه «صوت الامة» - ارگان پیش‌تازان حزب وفد - و نشریه «الاساس» - ارگان طرفداران سعد زغلول - نیز منتشر شدند.

در ۱۳ مه ۱۹۴۸ به علت ورود مصر در جنگ فلسطین بار دیگر حکومت نظامی اعلام شد و النقراشی به عنوان نخست‌وزیر حکومت نظامی (در ۱۵ مه ۱۹۴۸) برگزیده شد و اعمال سانسور بر مطبوعات از سر گرفته شد.

وضعیت مطبوعات در دوران حاکمیت ناصر و سادات:

با به قدرت رسیدن افسران آزاد در مصر، ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این کشور دگرگون شد. مطبوعات نیز از این دگرگونی مصون نماندند.

ناصر به سوی تمرکز قدرت در دست خود، و جلوگیری از هرگونه فعالیت گروهی و احزاب سیاسی مخالف، پیش رفت و این سیاست تأثیر عمیقی بر روند حرکت فرهنگی و مطبوعاتی مصر گذاشت. همچنین با به قدرت رسیدن افسران آزاد، ارتشها وارد صحنه سیاسی، مطبوعاتی و فرهنگی شدند و برخی از آنان در مجله «التحریر» به عنوان روزنامه‌نگار فعالیت خود را آغاز کردند. انور السادات هم مدیرکل مرکز انتشاراتی «التحریر» و مدیرمسئول روزنامه «الجمهوریه» شد.

پس از به قدرت رسیدن افسران آزاد (در ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۲) مطبوعات تحت نظر «قانون مطبوعات شماره ۲۰ سال ۱۹۳۶» قرار گرفتند، و سانسور بر مطبوعات ادامه یافت.

مطبوعات سخنگوی انقلاب ناصر

رهبران انقلاب ژوئیه، یک سری مطبوعات جدید را که بیانگر دیدگاه‌هایشان بود - از جمله در سپتامبر ۱۹۵۲ مجله «التحریر» را که هر دو هفته یک بار توسط اداره کل امور عام نیروهای مسلح منتشر می‌شد و انتشارش تا سال ۱۹۵۹ ادامه یافت - منتشر کردند. سردبیران مجله «التحریر» افرادی مانند: حلمی سلام، قاسم جوده و عیدانیز صادق بودند.

در دسامبر ۱۹۵۳ نخستین شماره روزنامه «الجمهوریه» به سر دبیری حسین فهمی و در ژانویه ۱۹۵۴ مجله «الثوره» از سوی سازمان جوانان و با شعار «لاشرقیه، لاغربیه» منتشر شدند که تا سال ۱۹۵۶ پی در پی چاپ می‌شدند. در ژوئیه ۱۹۵۸ مجله ماهانه «بناء الوطن» که منادی اقتصاد آزاد و گسترش فرهنگ غربی بود به بازار نشر راه یافت، اما در سال ۱۹۶۶ بکلی تعطیل شد.

در ژوئن ۱۹۵۶ نیز روزنامه «الشعب» منتشر شد که از سال ۱۹۵۹ آن را در روزنامه «الجمهوریه» ادغام کردند. در اکتبر ۱۹۵۶ نیز روزنامه «المساء» که به عنوان سخنگوی جریان سوسیالیسم عمل می‌کرد زیر چاپ رفت. اما در مارس ۱۹۵۹ گروهی از نویسندگان و روزنامه‌نگاران و برخی از استادان چپ‌گرای دانشگاهها دستگیر شدند.

در مه ۱۹۶۰ قانون تنظیم مطبوعات در چهارچوب مجموعه قوانین جدید به تصویب رسید. زمینه فعالیت و مالکیت و ارتباط مطبوعات به حاکمیت را به شدت محدود کردند و آنها را در کنترل شدید خود قرار دادند. رهبران مصر برای انعکاس اخبار جهانی در مصر و رساندن اخبار مصر به گوش جهانیان ضرورت تأسیس اژانس خبرگزاری ملی را احساس کردند و در نتیجه در سال ۱۹۵۷ «خبرگزاری ملی مصر» عملاً تأسیس شد. می‌توان گفت که مطبوعات مصر تا سال ۱۹۶۷ (سال شکست اعراب از اسرائیل در ژوئن ۱۹۶۷) تحت کنترل شدید سانسور بودند و تنها دیدگاهها و نظرات رژیم مصر را به مرحله اجرا در می‌آوردند.

سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰  
جنگ، ژوئن ۱۹۶۷ و شکست مصر از اسرائیل، تأثیر بسزایی در مطبوعات مصر گذاشت و بار دیگر قانون کنترل و سانسور مطبوعات که در مارس ۱۹۶۴ نفوذ شده بود، اعمال شد. به دلیل بحران اقتصادی - که کشور با آن دست و گریبان بود - مطبوعات مجبور

بودند تعداد صفحات خود را به چهار صفحه برسانند. دولت برای کنترل اوضاع و جلوگیری از انفجار وضعیت سیاسی در داخل - که پس از شکست از اسرائیل احتمال بروز آن بیشتر بود - به مطبوعات آزادی‌یابی داد و نویسندگان نوشتن نقد‌های سازنده سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را آغاز کردند. آنها خواستار بازخواست از مسؤولان شکست (در ۱۹۶۷) و نیز ایجاد یک سیستم دمکراتیک سالم بودند.

### مطبوعات مصر در دوران سادات

دوران سادات را می‌توان به دو دوره مجزا نسبت به مطبوعات، تقسیم‌بندی کرد که با به قدرت رسیدن وی آغاز می‌شود و تا سال ۱۹۷۶ ادامه می‌یابد. در این دوره سیاست حاکم بر مطبوعات، کم و بیش مانند سیاست دوران ناصر است، با این تفاوت که سادات برخی اوقات شعار آزادی مطبوعات هم سر می‌داد.

در فوریه سال ۱۹۷۴ قانون کنترل و سانسور مطبوعات برداشته شد و مسؤولیت نظارت بر آنچه در مطبوعات منتشر می‌شد برعهده سردبیران نشریات قرار گرفت. در واقع تنها سانسور «مستقیم» بر مطبوعات حذف شد، اما سانسور به صورت «غیرمستقیم» همچنان باقی ماند.

### مطبوعات حزبی:

در دو ماه اکتبر و نوامبر ۱۹۶۷، مضر شاهد انتخابات پارلمان بود که بر محوره تشکیلات سیاسی (که به احزاب تبدیل شده بودند) استوار بود.

در دوم ژوئیه ۱۹۷۷ نیز قانونی به نام قانون احزاب سیاسی، به تصویب رسید، که اجازه تشکیل احزاب را، با شرایطی بسیار سخت می‌داد. به احزاب اجازه انتشار روزنامه - بدون گرفتن مجوز - داده شد. «حزب الاحرار

ردیف	نام حزب	تعداد اعضا	تعداد نمایندگان
۱	حزب اتحادیه ملی	۱۱۰	۱۱
۲	حزب اتحادیه ملی	۱۱۰	۱۱
۳	حزب اتحادیه ملی	۱۱۰	۱۱
۴	حزب اتحادیه ملی	۱۱۰	۱۱
۵	حزب اتحادیه ملی	۱۱۰	۱۱
۶	حزب اتحادیه ملی	۱۱۰	۱۱
۷	حزب اتحادیه ملی	۱۱۰	۱۱
۸	حزب اتحادیه ملی	۱۱۰	۱۱
۹	حزب اتحادیه ملی	۱۱۰	۱۱
۱۰	حزب اتحادیه ملی	۱۱۰	۱۱

اولین شماره روزنامه «الاهرام»

الاشتراکیین» (آزادگان سوسیالیست) اولین نشریه هفتگی خود را در چهاردهم نوامبر ۱۹۷۷ منتشر کرد. در فوریه همان سال نخستین شماره نشریه «الاهالی» ارگان «حزب التجمع الوطني الوحدوی» (حزب فراگیر ملی وحدت گرا) و در مه ۱۹۷۸ نشریه «مصر» ارگان «حزب مصر» منتشر شد. در اوت ۱۹۷۸ «حزب الوطني الديمقراطی» (حزب میهنی دمکراتیک) به ریاست انور سادات، تشکیل شد که حزب «مصر» با تمام اعضا جز اندک وابستگان (حزب مصر) به این حزب پیوستند، آن گروه اندک بر ادامه حیات «حزب مصر» اصرار ورزیدند. سادات در اواخر حکومتش بار دیگر خفقان مطلق را بر مطبوعات و احزاب حاکم کرد. از این رو اعضای احزاب و ارگانهای تبلیغاتی و فرهنگی یکی پس از دیگری مخفی شدند.

روزنامه «الاهالی» ارگان «حزب التجمع» پیش از حوادث سپتامبر ۱۹۸۱ بکلی از صحنه سیاست غایب شد و در پی آن انتشار روزنامه «الشعب» ارگان «حزب عمل» نیز متوقف گردید. فقط روزنامه «الاحرار» نشریه «حزب الاحرار» در حالی که رنگ و خاصیت سیاسی و حزبی خود را عملاً از دست داده بود به فعالیت بی‌رمق خود ادامه داد.

### مطبوعات در دهه هشتاد:

دهه هشتاد را در مصر باید دهه تجدید حیات دوباره

سیاستمداران و اهل اندیشه و قلم و فرهنگ نامید. زیرا ویژگیهای این دهه به گونه‌ای بنیادین و کیفی با ویژگیهای دوران سادات تغییر کرده بود. از این رو مجلات و مطبوعات یکی پس از دیگری اعلام موجودیت کردند و به سرعت به جریانات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سطح مصر تبدیل شدند. در این باره باید از ظهور روزنامه‌هایی چون «الاهالی»، «الشعب»، «الاحرار»، «الوقد» و... نام برد. زیرا این نشریات توانستند جوی از جنب و جوش فرهنگی در جامعه به وجود آورند.

احزاب و سازمانهای سیاسی و اجتماعی و مراکز فرهنگی مصر، با تجربه‌ای که از پیش داشتند؛ به اخذ پروانه برای یک یا دو نشریه خاص اقدام نمی‌کردند بلکه پروانه دهها نشریه و مجله را به گونه‌ای همزمان و تحت پوششهای مختلف می‌گرفتند، تا در روز مبادا هنگامی که از سوی دولت به مشکلاتی برخوردند با ورشکستگی کامل تبلیغاتی و فرهنگی رو به رو نشوند.

### ارگانهای فکری و فرهنگی احزاب مصر:

#### ۱- حزب الوفد:

این حزب دارای چندین مجله و روزنامه است که از روزنامه یومیه این حزب، در انتخابات شورای ملی مصر (در سال ۱۹۸۷) بیش از نیم میلیون نسخه به چاپ رسید.

در این انتخابات «اخوان المسلمین» با حزب «الوقد» ائتلاف کرد و فعالیت‌های انتخاباتی خود را در پوشش نام این حزب انجام می‌داد.

نشریات این حزب عبارت بودند از:

الف - روزنامه «الوقد»

ب - هفته نامه «الوقد»

پ - «وفد القیوم» (منطقه‌ای در مصر).

ت - «وفد پورت سعید» (منطقه پورت سعید).

ث - «وفد الصعید» (منطقه‌ای روستایی در مصر).

#### ۲- حزب الاحرار:

به طور مشخص معلوم نیست که این حزب چند نشریه و مجله دارد اما اجمالاً، می‌توان به نشریات زیر اشاره کرد:

الف - هفته نامه «الاحرار»

ب - هفته نامه «النور»

پ - «شباب الاحرار»

ت - «الحقیقه»

#### ۳- حزب العمل:

نشریات این حزب نیز عبارتند از:

الف - «الشعب»

ب - «صوت الشعب»

۴- حزب التجمع:

نشریات:

الف - «الاهالی»

ب - مجله «ادب و نقد - ادبی»

پ - کتاب «الاهالی»

ت - کتاب «ادب و نقد»

۵- حزب الامه:

الف - «الامه»

ب - «شباب الامه»

پ - «مصر الیوم»

۶- حزب مصر الفتاة:

الف - «مصر الفتاة»

۷- حزب الاتحاد الديمقراطی:

الف - «الوادی»

۸- حزب اليساریین (چپگراها):

الف - ماهنامه «اليسار».

مؤسسات مطبوعاتی نیمه دولتی:

دولت مصر، وقتی دریافت که شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بین‌المللی، اقتضای چنین تحولی را ایجاد می‌کند، و هنگامی که با سیل مطبوعات و نشریات گوناگون فرهنگی، ادبی، سیاسی، اجتماعی و... روبه رو شد؛ در صدد مقابله و رویارویی با مجلات و

مطبوعات هدفدار فرهنگی، سیاسی و مذهبی بر آمد، از این رو با سرمایه‌گذاری سنگین و هنگفت مالی، به تقویت سیستم مطبوعاتی وابسته به دولت پرداخت، به طوری که اکنون دو جریان فرهنگی وجود دارد: یکی دولتی و تغذیه شده از حکومت و مورد حمایت مجلس شورا و کابینه؛ و دیگری جریان فرهنگی آزاد نسبت به دولت و وابسته به احزاب و سازمانهای سیاسی، دینی و فرهنگی که دارای گرایشهای گوناگون - از چپ تا راست - هستند و رو درروی یکدیگر قرار دارند. از جمله مؤسسات نیمه دولتی می‌توان از مؤسسات زیر نام برد:

#### ۱- مؤسسه «الاهرام»:

که یکی از بزرگترین و با سابقه‌ترین مؤسسات توانمند مطبوعاتی و دارای سیستم مدرن و امکانات گسترده چاپی است.

این مؤسسه تمام توان فکری و فنی و فرهنگی خود را به کار گرفته و هر روز در حال توسعه و گسترش کمی و کیفی بیش از پیش است:

نشریاتی که مؤسسه الاهرام منتشر می‌کند عبارت است از:

الف - روزنامه «الاهرام».

ب - «الاهرام الرياضي»؛ نشریه ورزشی و فکری به سردبیری ابراهیم حجازی، عضو شورای سندیکای روزنامه نگاران مصر.

پ - مجله «نصف الدنيا»؛ ویژه بانوان، به سردبیری سناء البیسی.

ت - «اهرام ویکلی»؛ به زبان انگلیسی به سردبیری حسن جنیدی.

ث - ... دهها نشریه اقتصادی و هنری و فرهنگی دیگر.

#### ۲- مؤسسه مطبوعاتی اخبار الیوم:

مؤسسه‌ای نیمه دولتی است که نشریات کنونی آن عبارتند از:

الف - روزنامه «الاحبار».

ب - هفته نامه ورزشی.

پ - مجله حوادث.

ت - مجله ویژه بانوان.

ث - مجله هنری و فرهنگی.

#### ۳- مؤسسه «دار التحریر»:

نشریات این مؤسسه عبارتند از:

الف - روزنامه «الجمهوریه».

ب - «حریتی»؛ مجله‌ای فرهنگی و ادبی

پ - سلسله کتابهای الجمهوریه

۴- مؤسسه «روز الیوسف»؛

الف - مجله «روز الیوسف».

ب - «صباح الخیر».

پ - ضمیمه کاریکاتور.

در چند سال اخیر روشنفکران، شاعران و ادیبان مصری که در دوران سادات به دلیل مخالفت با «کمپ دیوید» مورد خشم قرار گرفته بودند، از آزادی نسبی برخوردار شده و دست به حرکت فرهنگی‌ای جدید زده‌اند. انتشار مجلات و فصلنامه‌های فرهنگی و ادبی، و نیز انتشار کتابهایی بی‌شمار از آن جمله است. نشریاتی که آنان منتشر می‌کردند عبارتند از: مجله «الفصول»، «الابداع»، «القاهره» و... چند مجله و فصلنامه دیگر.

### منابع:

- ۱- تطور الصحافة المصرية من ۱۷۹۸ حتى ۱۹۸۱، ابراهیم عبده.
- ۲- فجر الصحافة في مصر، احمد حسين الماوی.
- ۳- الصحافة بين المنع والتمنع، قاعل زهیری.
- ۴- الوقایع المصرية، ابراهیم عبده.
- ۵- الصحافة المصرية مائة عام، عبد اللطیف حمزه.
- ۶- حرية الصحافة في مصر ۱۷۹۸ حتى ۱۹۲۲، خليل صابات.
- ۷- الحياة الحزبية في مصر، يونان لبيب رزق.
- ۸- تاريخ مصر القومي ۱۹۱۴، عبدالرحمان الراعی.
- ۹- محاضرات في التشريعات الاعلامية، جمال الدين العظیمی.
- ۱۰- أزمة الديمقراطية في الصحافة المصرية، فاروق ابوزید.